

روستا و توسعه، سال ۲۵، شماره ۹۸، تابستان ۱۴۰۱

DOI: 10.30490/RVT.2021.352102.1278

مقاله پژوهشی

اهمیت و اثربخشی نهادهای تأثیرگذار بر توسعه گردشگری روستایی (کاربرد روش تحلیل شبکه)

محمد صادق ابراهیمی^۱، محمد یعقوبی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۱۳

چکیده

محققان توسعه پایدار بر نقش بی‌بدیل نهادها در اثربخشی جریان توسعه معتقد هستند. اهمیت و اثربخشی نهادها به گونه‌ای است که در رویکردهای جدید توسعه پایدار به‌عنوان یکی از چهار بعد اساسی توسعه پایدار قلمداد می‌شود و در کنار ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی قرار می‌گیرد. تحقیق حاضر به بررسی اهمیت و اثربخشی نهادهای تأثیرگذار بر توسعه گردشگری روستایی با استفاده از کاربرد تحلیل شبکه پرداخته است. روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. ابزار اصلی تحقیق پرسش‌نامه است. جامعه آماری این تحقیق خانوارهای روستای در چهار روستای هدف گردشگری در دهستان طرقله، شهرستان بینالود در استان خراسان رضوی است. داده‌های لازم از ۲۰۰ خانوار روستایی در دهستان طرقله جمع‌آوری شد. به‌منظور سنجش پایایی ابزار تحقیق (پرسش‌نامه) از ضریب آلفای کرونباخ و جهت روایی پرسش‌نامه از ضریب

۱- نویسنده مسئول و استادیار گروه توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان، ایران.
(ebrahimi_ms@iut.ac.ir)

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان، ایران.

KMO استفاده شد. نتایج تحلیل شبکه نشان داد که شش نهاد مؤثر در توسعه گردشگری روستایی عبارت‌اند از: شورا، دهیار، بخش خصوصی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، بخشداری، NGOs و سایر ادارات دولتی. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که از دیدگاه روستاییان اهمیت و اثربخشی نهادهای محلی مانند شورا، دهیار و نهادهای تخصصی مانند بخش خصوصی و سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در توسعه گردشگری از سایر نهادهای دخیل در فرایند توسعه گردشگری روستایی بیشتر است. همچنین تمایل مشارکت روستاییان با نهادهای محلی و تخصصی بیشتر از نهادهای دولتی است.

کلیدواژه‌ها: گردشگری روستایی، نهادها، اثربخشی، تحلیل شبکه.

مقدمه

گردشگری به‌عنوان راهبردی برای توسعه پایدار روستایی، تفکر نسبتاً جدیدی است که سیاست‌گذاران محلی در جوامع روستایی به اهمیت آن پی برده‌اند (Alavizadeh and Mirlotfi, 2013). گردشگری روستایی را از میان انواع مختلف گردشگری، می‌توان پردرآمدترین و اثرگذارترین نوع گردشگری هر کشور دانست. این نوع از گردشگری باعث ایجاد توسعه پایدار جوامع محلی در نواحی روستایی می‌شود و ابزاری در جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی به شمار می‌آید (Nasiri Moghadam and Khoshsima, 2014). گردشگری روستایی می‌تواند به کلیه فعالیت‌ها و خدماتی گفته شود که به‌وسیله کشاورزان، مردم و دولت‌ها برای تفریح، استراحت و جذب گردشگران در نواحی روستایی صورت می‌گیرد (Roknaddin Eftekhari and Mahdavi, 2006). گردشگری روستایی با توجه به ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی موجود در روستاها، می‌تواند نقش مهمی در تجدید حیات روستاها، حفاظت از میراث طبیعی، تاریخی و فرهنگی و در نهایت توسعه پایدار روستایی داشته باشد (Rezvani et al., 2012). در واقع گردشگری روستایی به‌عنوان یک مکمل بازار روستایی و منبع مهمی برای اشتغال جوامع کم‌تحرک (مانند جوامع روستایی) است؛ چراکه اشتغال در این صنعت به مهارت و کارآموزی بالایی نیاز ندارد و مردم بومی و محلی با اندکی مهارت می‌توانند در مشاغل خدماتی مشغول به کار شوند (Brown, 2003). امروزه روستاها بخش مهمی از توسعه یک کشور را بر عهده دارند که بایستی همانند نقاط شهری به آن‌ها توجه و نگاه خاص شود (Sadeghi and Seidaie, 2016). توسعه روستاها و ایجاد مشارکت پایدار در آن‌ها با دارا بودن مسائل و مشکلات فراوانی مثل فقر، بیکاری، مهاجرت، ضعف آموزش و نبود زیرساخت‌های فناوری، کمبود اعتبارات و پایین بودن نرخ بهره‌وری در بخش تولیدات روستایی از یک‌سو و ضعف‌های اجتماعی از جمله (مشارکت مدنی، شبکه‌های همکاری و کارایی نهادها، انسجام، اعتماد و غیره) از

سوی دیگر تا حدودی ضعیف برآورد شده است (Byrd et al., 2009). بنابراین شرط لازم برای پیشرفت هر جامعه‌ای بخصوص جوامع روستایی، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و از همه مهم‌تر، اعتماد متقابل (افراد و دولت) است (Bhagavatula et al., 2010). صاحب‌نظران، تحقق توسعه پایدار و یکپارچه را مستلزم مشارکت عمومی و گسترده مردم می‌دانند و حضور نهادها و سازمان‌های محلی و به‌کارگیری راهبردها و سیاست‌هایی که مشارکت را فراهم و تقویت نماید را ضروری می‌دانند (Barghi et al., 2013). توسعه صنعت گردشگری در نواحی روستایی که به‌عنوان یک استراتژی جدید توسط جوامع محلی، به شمار می‌آید می‌تواند نقش مهمی در توسعه این نواحی داشته باشد. گردشگری روستایی در ارتباط تنگاتنگ با سایر بخش‌های اقتصادی می‌تواند نقش عمده‌ای در توانمندسازی مردم محلی، تنوع‌بخشی به رشد اقتصادی و نیز خلق فرصت‌های شغلی جدید ایفا نماید (Sharifzadeh and Moradinejad, 2003). بنابراین، توسعه گردشگری در مناطق روستایی عنصری اساسی است و یکی از راه‌های نجات روستاها از فقر، مهاجرت و مشکلات اجتماعی و اقتصادی به شمار می‌رود (Shamsoldini, 2011). بسیاری از اندیشمندان توسعه معتقدند که تعامل و همکاری بین نهادهای مؤثر در مدیریت روستا (بازیگران اصلی) در حال شکل‌دهی نوع جدیدی از مدیریت در توسعه روستایی با عنوان مدیریت مشارکتی است. در این نوع مدیریت سعی می‌شود از تمام ظرفیت‌های مؤثر برای توسعه روستایی بهره‌برداری شود (Roknaddin Eftekhari et al., 2007). بنابراین جهت پایداری روستاها در راستای توسعه، عملکرد نهادها و سازمان‌های مطابق با وظایف و شاخص‌های مختلف توسعه پایدار، بسیار مهم و دارای اهمیت است؛ چراکه این نهادها و سازمان‌ها هستند که با برنامه‌ریزی و هدایت جامعه روستایی از نظر ساختاری-کارکردی می‌توانند سبب توسعه و پایداری آن شوند یا اینکه با عملکرد نادرست ناشی از عدم شناخت و برنامه‌ریزی مناسب، روند توسعه را کند و یا به کلی متوقف نمایند (Sadeghi and Seidaie, 2016).

مبانی نظری

پایداری در معنای وسیع خود به توانایی جامعه، اکوسیستم یا هر سیستم جاری برای تداوم کارکرد در آینده نامحدود اطلاق می‌شود، بدون اینکه به‌طور اجباری در نتیجه تحلیل رفتن منابعی که سیستم به آن وابسته است یا به دلیل تحمیل بار بیش‌ازحد روی آن‌ها، به ضعف کشیده شود. از طرف دیگر توانایی سیستم برای استقامت و پایایی به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر وابسته به موفقیتی است که سیستم در ایجاد ارتباط با محیط بیرونی کسب می‌کند (Zahedi and Najafi, 2006). بنابراین

می‌توان گفت که پایداری نوعی عدالت توزیعی است: تقسیم عادلانه فرصت‌های توسعه بین نسل‌های کنونی و آینده از یک‌سو و همه‌شمول بودن آن از سوی دیگر. همه‌شمول به معنای قدرت بخشیدن به مردم و به معنای حمایت و توجه به تمامی حقوق انسانی است؛ اعم از حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره (Magnar et al., 2012). دستیابی به توسعه پایدار، مستلزم به‌کارگیری و رعایت ابعاد چهارگانه محیط زیست (شامل تمام سرمایه‌های تجدیدپذیر و تجدیدنپذیر)، اقتصادی (شامل همه دارایی‌های انسان)، اجتماعی (شامل موضوعات فردی همچون جهان‌بینی، دانش و تجربه) و نهادی (مربوط به سازمان‌دهی جامعه و رابطه بین مردم) است (Stenberg, 2001). به نظر می‌رسد، دیدگاه زاکس^۱ را هم در این راستا بتوان ارزیابی کرد. او در تعریف توسعه پایدار گفته است: توسعه پایدار مستلزم فرایند تغییر در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، سمت‌گیری توسعه فناوری و تغییرات نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد؛ یعنی صرفه‌جویی در منابع کمیاب و تدبیر بسیار در استفاده از منابع فراوان و تجدیدپذیر (Fallahatabar, 2017). لذا می‌توان توسعه پایدار را در چهار سطح زیر توصیف و بیان نمود:

نخستین سطح از فرایند توسعه پایدار، مرتبط با تشکیلات ساختاری سیستم‌های پایه است. این سیستم‌ها در کانون و مرکز فرایندهای توسعه پایدار و اکوسیستم‌های جهانی جای می‌گیرند. در واقع اکوسیستم جهانی منشأ سیستم‌ها است، در حالی که اقتصاد انسانی و سیستم اجتماعی به‌عنوان خرده‌سیستم‌ها در نظر گرفته می‌شود (Pourtaheri and Naghavi, 2012). دومین سطح از فرایند توسعه پایدار، حالت مطلوب پایداری است که در نتیجه فرایندهای پیوسته و مداوم تنها از طریق پایداری‌های مستقیم و یا راه‌های غیرپایدار به دست می‌آیند که این عوامل به‌واسطه فرایندهای زیستی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و زیست‌محیطی شکل می‌گیرند. سطح سوم از فرایند توسعه پایدار، پشتیبانی و حمایت از فعالیت‌های اصلی و سازنده است که در زمره فرایندهای اصلی جای گرفته است؛ یعنی رسیدن به توسعه از طریق شرایط پایداری که در محیط گسترده با منشأ اکوسیستمی و خرده‌سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی قرار گرفته است. سطح چهارم از فرایند توسعه پایدار شامل ابزار و نسخه‌های مهمی است که زمینه رسیدن به علائم موفقیت را سبب می‌شوند. به‌عبارتی این ابزارها شامل سازمان‌ها، نهادها، برنامه‌ریزان، مدیران روستایی، مشاوران و مشارکت‌نهادهای مردمی است که بر فرایند اکوسیستم از طریق خرده‌سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی تأثیر می‌گذارند (Pourtaheri and Naghavi, 2012). مدیریت توسعه روستایی در واقع فرایند

سازمان‌دهی و هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل‌دادن به سازمان‌ها و نهادهایی است که زیربنای توسعه روستایی هستند. لذا می‌توان بیان نمود که عملکرد موفق و کارآمد توسعه روستایی منوط به همکاری و تعامل مؤثر نهادهای دخیل در فرایند توسعه روستایی است (Basiri Parsa, 2010). به نظر می‌رسد که در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی به‌خصوص در توسعه گردشگری بر اساس اصول چهارگانه توسعه پایدار می‌بایست به بعد نهادی آن توجه ویژه شود (Roknaddin Eftekhari et al., 2015). اصولاً اجرای برنامه‌های توسعه روستایی نه تنها می‌بایست به حفظ نهادهای محلی اثرگذار در توسعه به‌خصوص نهادهای زمینه‌ساز مشارکت و گسترش توسعه اجتماعی روستاییان کمک نماید بلکه می‌بایست زمینه لازم برای احیا و همچنین توسعه چنین نهادهای مؤثری را نیز فراهم آورد. تحقیق حاضر با رویکرد بررسی نهادهای دارای اهمیت (اعتماد روستاییان به این نهادها) و همچنین اثربخشی برنامه‌های اجراشده توسط آنان از دیدگاه روستاییان طرح و انجام شده است.

تلفر (Telfer, 2009) در پژوهشی به جهانگردی و توسعه در جهان در حال توسعه پرداخت و نشان داد که گردشگری روستایی، ارتباطات اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و میزان روابط افقی روستاییان بر پایه همکاری افقی را بهبود بخشیده است. علی‌الحسابی (Alalhesabi, 2011) در پژوهشی با عنوان نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و رهبران محلی در توسعه روستایی به این نتیجه رسیده است که استفاده از شیوه مشارکتی در اداره امور و برنامه‌ریزی برای آن ضروری و گریزناپذیر است. همچنین مشارکت مردم در امور توسعه و عمران روستا، اثرات مثبتی در روند پیشرفت آن داشته است. نجفی کانی و میرزاعلی (Najaf Kani and Mirzaali, 2012) در پژوهشی تحت عنوان بررسی و سنجش میزان مشارکت مردم و نقش آن در توسعه روستایی به این نتیجه رسیدند که بین سطح و جایگاه اقتصادی و اجتماعی مردم با میزان مشارکت آنان در راستای توسعه روستایی، در سطح بسیار بالا و قابل قبولی رابطه معناداری وجود دارد. علاوه بر این، میزان مشارکت مردم نقش کلیدی در توسعه نواحی روستایی ناحیه مورد مطالعه دارد. همچنین کاپلند (Copeland, 2012) در مطالعه خود با عنوان گردشگری و رفاه اجتماعی با رویکرد افزایش صادرات به این نتیجه رسید که گسترش و ارتقای توسعه گردشگری و از آن جمله گردشگری روستایی در مناطقی که مردم جوامع روستایی می‌توانند محصول‌های تولیدی روستایی خود را صادر کنند، از توانایی زیادی برای دستیابی به پایداری اجتماعی و اقتصادی برخوردار است.

سوتاوا (Sutawa, 2012) با مطالعه تجربه‌های سایر کشورها در دستیابی به سطح مناسبی از توسعه روستایی به این نتیجه رسید که اصول اساسی رسیدن به این مقصد، اهمیت به نیازهای مردم جامعه محلی است. همچنین گسترش و رونق توسعه باید از جایی شروع شود که نیازهای مردم محلی را تأمین کند، سیاست و برنامه‌ریزی توسعه باید سازگار بر شرایط جغرافیایی کشور، جوامع محلی مورد مطالعه و بدون صدمه به منابع طبیعی باشد. علاوه بر این، ایجاد گردشگری روستایی بایستی فرصتهایی را برای جوامع محلی به‌منظور بهبود وضع سکونت آنان مهیا نماید. به همین خاطر، فعالیت‌های روستایی به مشارکت جامعه روستایی نیاز دارد. با این وجود، توانمندسازی جامعه، اساس رفاه جامعه و پایداری گردشگری است. موراسان و همکاران (Muresan et al., 2016) به بررسی نگرش ساکنان محلی نسبت به توسعه گردشگری پایدار پرداخت. نتایج مطالعه وی نشان داد که گردشگری به‌عنوان یک عامل توسعه، فعالیتی چندجانبه است که ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی را در برمی‌گیرد و همچنین زیرساخت، سن، جنسیت و آموزش و پرورش از عواملی است که بر ارتقاء توسعه پایدار گردشگری مؤثرند. زرافشانی و همکاران (Zarafshani et al., 2013) به بررسی اثرات توسعه گردشگری در ارتقاء شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی نواحی روستایی در منطقه گردشگری ریجاب در استان کرمانشاه پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که توسعه گردشگری در منطقه مورد مطالعه دارای چهار پیامد عمده است. این پیامدها عبارت‌اند از: درآمدزایی، ایجاد مشکلات زیست‌محیطی، توسعه فرهنگی و کاهش سرمایه اجتماعی.

هوانگ و همکاران (Hwang et al., 2016) در مطالعه‌ای تأثیر ساختار ارتباطی یک جامعه در اقدامات جمعی مرتبط با گردشگری را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که ارتباط مثبتی بین مشارکت افراد و ویژگی‌های ساختار شبکه جمعی، از جمله تراکم و فشار اجتماعی مربوط به نقش‌های اجتماعی وجود دارد. در تحقیق دیگری هوانگ و استوارت (Hwang and Stewart, 2017) با استفاده از مصاحبه چهره به چهره با رهبران جامعه و پرسش‌نامه ساختاریافته به بررسی سرمایه اجتماعی و اقدامات جمعی در گردشگری روستایی کره جنوبی پرداختند. یافته‌های تحقیق نشان داد که کیفیت شبکه‌های اجتماعی شخصی در توسعه گردشگری بسیار مهم است. به‌طوری‌که هرچه ارتباط یک شخص با یک رهبر در کار جمعی بهتر باشد، توسعه گردشگری روستایی تحقق‌پذیر خواهد بود. علاوه بر این، در مقایسه با روابط شخصی، سازمان‌های اجتماعی موجود برای تقویت اقدامات جمعی ساکنان بسیار اهمیت دارند.

کلایره و همکاران (Kellihera et al., 2018) نقش اعتماد در ایجاد تعامل در شبکه‌های خرد شرکت‌های گردشگری روستایی را مورد مطالعه قرار دادند. نتیجه این تحقیق نشان داد که تعامل شرکت‌ها با کنشگران روستایی بسیار مهم بوده به طوری که می‌توان بیان نمود که اعتماد به‌عنوان یک دارایی می‌تواند زمینه‌ساز تحول شرکت‌های گردشگری روستایی باشد. همچنین لوپاکیو (Łopaciuk, 2019) در مطالعه‌ای به بررسی شبکه‌های اجتماعی تقویت‌کننده گردشگری در لهستان پرداخت و نتیجه گرفت که افزایش اعتماد عمومی با بهبود در شبکه آشنایان و ارتقاء فعالیت‌های داوطلبانه ارتباط دارد. به‌علاوه اتریوو و خدامی ویدرا (Otwori and Khademi Vidra, 2019) نیز به بررسی گردشگری مبتنی بر جامعه و توسعه پایدار مناطق روستایی در کنیا پرداختند. آنان اعتقاد دارند که کشاورزی و سایر فعالیت‌های اقتصادی می‌توانند با گردشگری ادغام شوند تا توسعه پایدار در مناطق روستایی ایجاد شود. نتایج تحقیق نشان داد که اکثر پاسخ‌دهندگان درک درستی از آنچه در تعاونی‌های گردشگری روستایی انجام می‌شود، ندارند و بنابراین خواستار ایجاد ظرفیت بیشتر، آموزش و پشتیبانی فنی مناسب به‌عنوان یک استراتژی توسعه پایدار شدند. نتایج کلی تحقیق نشان داد استفاده از این شرکت‌ها می‌تواند به‌عنوان ابزاری به پایداری محیط‌های اقتصادی و اجتماعی در منطقه روستایی کنیا کمک کند.

با توجه به مرور پیشینه نگاشته‌ها می‌توان بیان نمود که کشورهای مختلف با توجه به شرایط متنوع خود و همچنین تأکید و تکیه بر ظرفیت‌های گردشگری روستایی در داخل کشورهای خود راهبردهای متنوعی را برای توسعه گردشگری روستایی استفاده نموده‌اند. به طوری که برخی از کشورها از ظرفیت توسعه تعاونی‌ها استفاده نموده‌اند؛ برخی دیگر شبکه‌های خرد گردشگری را در روستاها توسعه داده‌اند؛ عده‌ای به توسعه رهبری محلی به‌عنوان ظرفیت جدید توسعه گردشگری پرداخته و برخی دیگر راهکارهای مدیریت مشارکتی را مورد تأکید قرار داده‌اند. لذا به نظر می‌رسد عموماً سعی داشته‌اند تا با ایجاد ظرفیت‌سازی مؤثر به‌خصوص در حیطه افزایش سرمایه اجتماعی مردم محلی و مؤکداً در توسعه مؤلفه‌هایی نظیر افزایش اعتماد، همبستگی و مشارکت مردمی، این امر را محقق نمایند.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. نخست، گردآوری اطلاعات در حوزه گردشگری روستایی و مرحله توصیفی پژوهش صورت گرفته است. سپس تحقیق در مرحله تحلیل (بر پایه تحلیل شبکه‌های اجتماعی) به تعریف و تشکیل شبکه مجزا بر اساس اهمیت و اثربخشی

نهادهای تأثیرگذار بر توسعه گردشگری روستایی بر پایه تکنیک‌های گرافیکی مبتنی بر نظریه گراف‌ها پرداخته است. مفاهیم، گویه‌ها و متغیرهای تحقیق حاضر بر اساس نتایج حاصل از مرور منابع و مبانی نظری تحقیق به صورت مؤلفه‌های اساسی در سرمایه اجتماعی، نظیر اعتماد، همبستگی، مشارکت و شبکه‌سازی بر اساس دیدگاه روستاییان در مورد شش نهاد مؤثر بر توسعه ظرفیت‌های گردشگری روستایی (شورا، دهیار، بخش خصوصی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، بخش‌داری، NGOs و سایر ادارت دولتی) مورد سنجش قرار گرفت. در این راستا، به عقیده ویری (Viry, 2017) می‌توان با استفاده از ابزار پرسش‌نامه و مصاحبه به گردآوری داده‌ها پرداخت. سؤالات پرسش‌نامه در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴ و خیلی زیاد=۵) طراحی و مؤلفه‌هایی نظیر میزان اعتماد روستاییان به نهادها، تمایل به مشارکت با نهادها، اهمیت نهادها، اثربخشی هریک از نهادها در توسعه گردشگری و تمایل به همکاری با نهادهای شش‌گانه در توسعه گردشگری روستایی مورد بررسی قرار گرفت.

منطقه مورد مطالعه

جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق روستاییان ساکن در روستاهای هدف گردشگری در دهستان طرقله از توابع شهرستان بینالود در استان خراسان رضوی هستند. روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و اطلاعات مورد نیاز آن از طریق مطالعه منابع کتابخانه‌ای و عملیات میدانی (پرسش‌نامه) گردآوری شده است. جامعه آماری بر اساس آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۵) شامل ۶۰۲۹ نفر و ۱۹۵۰ خانوار است. تعداد نمونه بر اساس فرمول کوکران ۲۰۰ خانوار با دقت احتمالی ۰/۰۶۵ انتخاب شد.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی روستاهای مورد مطالعه در منطقه طرقله مشهد

با توجه به روستاهای هدف گردشگری در دهستان طرقله، چهار روستای کنگ، حصار، ازغد و مغان در این دهستان انتخاب شد. تعداد نمونه‌ها در هر روستا بر اساس برآوردی از حجم گردشگران ورودی به روستا و تعداد خانوارهای ساکن در روستا مشخص شد (Cultural Heritage and Tourism Organization of Khorasan Razavi Province, 2019). شکل ۱ موقعیت جغرافیایی روستاهای مورد مطالعه در منطقه طرقله مشهد را نشان می‌دهد. برای تعیین پایایی پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. میزان ضریب آلفای کرونباخ در حیطه اهمیت نهادها ۰/۸۲۱ و در حیطه اثربخشی نهادها ۰/۸۷۸ محاسبه شد.

جدول ۱. برآورد میزان پایایی ابزار تحقیق پرسش‌نامه (ضریب آلفای کرونباخ)

متغیرها	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
اهمیت نهادها	۸	۰/۸۲۱
اثربخشی نهادها	۸	۰/۸۷۸

مأخذ: یافته‌های پژوهش

همچنین به منظور محاسبه روایی پرسش‌نامه از نظر متخصصان برای روایی صوری و محتوایی و از آزمون بارتلت و ضریب KMO برای اعتبار عاملی استفاده شد که مقدار آن برای اهمیت نهادها ۰/۸۱۹ و برای اثربخشی نهادها ۰/۷۹۶ محاسبه شد.

جدول ۲. برآورد میزان روایی ابزار تحقیق پرسش‌نامه

متغیرها	ضریب KMO	آزمون بارتلت	درجه آزادی	سطح معنی داری
اهمیت نهادها	۰/۸۱۹	۵۷۳/۳۰۳	۲۸	۰/۰۰۰
اثربخشی نهادها	۰/۷۹۶	۴۸۹/۱۰۱	۲۸	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

تحلیل شبکه

برای جمع‌آوری داده‌های شبکه نیز می‌توان از هر نوع تکنیک‌های جمع‌آوری داده، که در علوم اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرند، مانند پرسش‌نامه، مصاحبه، مشاهده، اطلاعات آرشیو شده و غیره استفاده کرد. به عقیده برخی محققان مانند هلمز و همکاران (Helms et al., 2010)، این روش می‌تواند به اعتبار (روایی) داده‌ها نیز کمک نماید. پرسش‌نامه معمول‌ترین شیوه جمع‌آوری اطلاعات شبکه، مخصوصاً در شبکه‌های فردی است. در پرسش‌نامه از افراد خواسته می‌شود اعضای شبکه خود، نوع روابط، ویژگی‌های روابط (مدت، میزان، قوت و...) را مشخص کنند. آنچه در طرح گویه‌ها و پرسش‌ها و به‌طورکلی در گردآوری داده‌ها باید مدنظر قرار گیرد این است که آن‌ها می‌بایست طوری طرح شوند که وضعیت رابطه یا پیوند بین گره‌ها را آشکار سازند (Kapucu et al., 2011). واحد تحلیل در تحلیل شبکه، رابطه است (Ramezani and Mirza Mohammadi, 2013). برای نمایش شبکه‌ها دو شیوه اصلی وجود دارد: ماتریس روابط و گراف یا سوسیومتر و سوسیوگرام. گره‌ها و روابط بین آن‌ها در شیوه اول در ماتریسی نشان داده می‌شوند. شیوه نمایش ماتریسی در واقع با ماهیت داده‌های شبکه‌ای در ارتباط است. اعضا و روابط بین آن‌ها در این شیوه، به‌صورت ماتریس‌هایی نمایش داده می‌شوند. سطر و ستون اول ماتریس اعضای شبکه و خانه‌های آن روابط بین این اعضا را نشان می‌دهد. بنابراین، خانه‌های ماتریسی ممکن است فقط صفر یا یک باشند (ماتریس باینری) یا مقادیر بیشتر از صفر داشته باشند که وزن رابطه را نشان می‌دهد. روابط جهت‌دار را نیز می‌توان در شیوه ماتریسی نمایش داد. ماتریس روابط در شبکه‌ای با روابط جهت‌دار، متقارن نیست. به این ترتیب، ممکن است رابطه بین گره i و j با رابطه بین j و i متفاوت باشد. شیوه نمایش

ماتریسی برای محاسبات کامپیوتری مناسب است، ولی مطالعه و بررسی شبکه به‌وسیله ماتریس برای انسان کمی دشوار است. مخصوصاً شیوه نمایش گرافی در ماتریس‌های بزرگ مبتنی بر داده‌های ماتریسی است، ولی برای انسان قابل فهم‌تر است. اعضا و ارتباط بین آن‌ها در این شیوه به‌صورت نقاط و خطوط بین آن‌ها رسم می‌شود و در نهایت تصویری از شبکه ارائه می‌کند. ترسیمی مناسب از شبکه می‌تواند برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های کلی ساختار شبکه را خیلی سریع به مشاهده‌کننده منتقل کند (Bastani and Reisi, 2011). ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی به سه دسته ساختی، تعاملی و کارکردی تقسیم می‌شوند که هر کدام شاخص‌هایی دارند. این شاخص‌ها بنا بر مسئله و هدف تحقیق انتخاب می‌شوند. منظور از ویژگی‌های ساختی شبکه، ویژگی‌هایی است که بیشتر با ساخت و نه محتوای شبکه ارتباط دارند؛ مانند اندازه، تراکم و ترکیب.

- اندازه شبکه: تعداد کل پیوندهای موجود در شبکه را نشان می‌دهد. هرچه تعداد پیوندها بیشتر باشد، تراکم شبکه نیز بیشتر خواهد بود (Firoozrooz et al., 2015).
 - تراکم شبکه: این شاخص به‌صورت نسبت تعداد همه پیوندهای موجود به همه پیوندهای ممکن تعریف می‌شود. این شاخص معرف میزان همبستگی شبکه است. افزایش تراکم شبکه سبب تقویت پیوندها در شبکه شده و همچنین امکان کنترل اجتماعی را افزایش می‌دهد (Bodin et al., 2006).
 - مرکزیت و قدرت: تحلیل قدرت در تحلیل شبکه با مفهوم مرکزیت ارتباط زیادی دارد. قدرت در تحلیل شبکه در هر دوی این سطوح قابل مطالعه و بررسی است، چراکه رویکرد شبکه این دو سطح را به هم پیوند می‌دهد. اگرچه مرکزیت به شیوه‌های مختلفی قابل بررسی است؛ ساده‌ترین نوع آن مرکزیت درجه است که به تعداد روابط هر گره ارتباط دارد (Srivastava et al., 2014). مرکزیت بینابینی نیز قدرت کنترلی هر کنشگر در شبکه را می‌سنجد (Carlsson and Sandström, 2008). کنشگران دارای مرکزیت بینابینی بالاتر قادر هستند تا جریان منابع بین سایر کنشگران را تحت تأثیر قرار دهند (Ghorbani et al., 2019). مرکزیت نزدیکی شامل مجموع طول کوتاه‌ترین فاصله (میانگین فاصله) هر گره با سایر گره‌های موجود در شبکه است (De Stefano et al., 2013) و مرکزیت بردار ویژه نیز اتصال گره با سایر گره‌های مرکزی و قدرتمند در شبکه را محاسبه می‌کند (Sattarzadeh et al., 2016).
- تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS، UCINET و NETDRAW صورت گرفت. روش تحلیل شبکه از تنوع نرم‌افزاری قابل توجهی برخوردار است. رایج‌ترین آن‌ها سه

نرم‌افزار R، PAJEK و UCINET است. در تحقیق حاضر از نرم‌افزار UCINET و NetDraw برای رسم گرافها استفاده شد. این نرم‌افزار به‌عنوان یکی از پرکاربردترین و کامل‌ترین نرم‌افزارهای موجود در زمینه تحلیل شبکه‌هایی اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Nocheh Nasar et al., 2018).

نتایج و بحث

نتایج تحلیل توصیفی نشان داد که اکثریت نمونه آماری تحقیق حاضر را مردان (۶۳ درصد) و ۳۷ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. بر اساس یافته‌های تحقیق ۵۴ درصد افراد مورد مطالعه در رده سنی بالاتر از ۴۰ سال قرار داشتند. همچنین از نظر میزان تحصیلات نیز اکثر افراد دارای سواد زیر دیپلم بوده‌اند و افراد داری تحصیلات دانشگاهی فقط ۲۱ درصد در نمونه آماری تحقیق حاضر بودند. از نظر متغیر بعد خانوار در منطقه نیز مشخص شد که معمولاً صاحب ۲ فرزند یا شاخص بعد خانوار نزدیک به ۴ نفر گزارش شده است.

جدول ۳. بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه آماری تحقیق

متغیر	سطح‌بندی	درصد تجمعی	درصد فراوانی	آماره
جنسیت	۶۳	۱۲۶	مرد	نما: مرد
	۳۷	۷۴	زن	
سن	زیر ۲۰ سال	۴	۲	نما: بالای ۴۰ سال
	۲۰ تا ۴۰ سال	۸۸	۴۴	
	۴۰ تا ۶۰ سال	۶۵	۳۲/۵	
	بالای ۶۰ سال	۴۳	۲۱/۵	
سطح تحصیلات	بی‌سواد	۳۵	۱۷/۵	نما: زیر دیپلم
	زیر دیپلم	۹۸	۴۹	
	دیپلم	۲۴	۱۲	
	تحصیلات دانشگاهی	۴۳	۲۱/۵	
بعد خانوار	زیر ۴ نفر	۶۵	۳۵/۵	نما: بالای ۴ نفر
	بالای ۴ نفر	۱۳۵	۶۴/۵	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

اهمیت و اثربخشی نهادهای تأثیرگذار بر.....

نتایج تحقیق نشان داد که به طور متوسط سالیانه تعداد ۴۵ هزار نفر از مناطق روستایی به عنوان گردشگر بازدید داشته‌اند که در بدترین حالات (حداقل) نزدیک به ۵ هزار نفر و در بهترین حالت (حداکثر) بیش از ۱۰۰ هزار نفر بوده است.

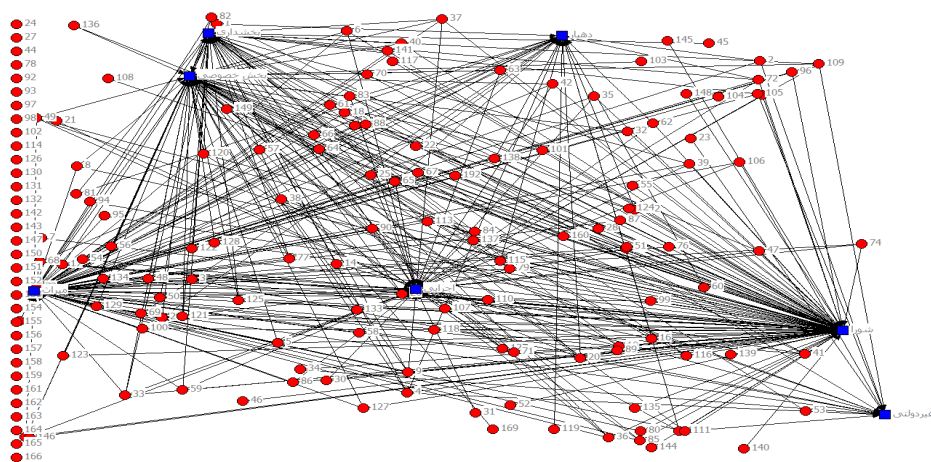
بر اساس یافته‌های تحقیق، نهادهای شورا و بخش خصوصی از دیدگاه روستاییان بیشترین میزان اهمیت و اثربخشی را در بین نهادهای تأثیرگذار بر توسعه گردشگری روستایی در منطقه دارند. به طوری که نهاد شورا از نظر اهمیت نزدیک به ۷۹ درصد، و بخش خصوصی ۷۵ درصد و همچنین از نظر اثربخشی نیز نهاد شورا نزدیک به ۵۷ درصد و بخش خصوصی نیز ۵۷ درصد توانایی تأثیرگذاری در دستیابی به اهداف توسعه پایدار گردشگری در منطقه را دارند.

جدول ۴. توزیع درصد فراوانی تأثیر اهمیت هر نهاد در توسعه گردشگری

نوع	میزان اهمیت	میزان اثربخشی
شورا	۷۸/۶۵	۵۶/۹۰
دهیار	۷۳/۵۰	۵۱/۶۰
بخشداری	۶۶/۷۵	۴۴/۴۵
سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری	۶۶/۶۰	۵۰/۱۰
بخش خصوصی	۷۵/۰۰	۵۷/۰۰
بخش غیردولتی (NGOs)	۵۰/۹۰	۳۲/۰۵

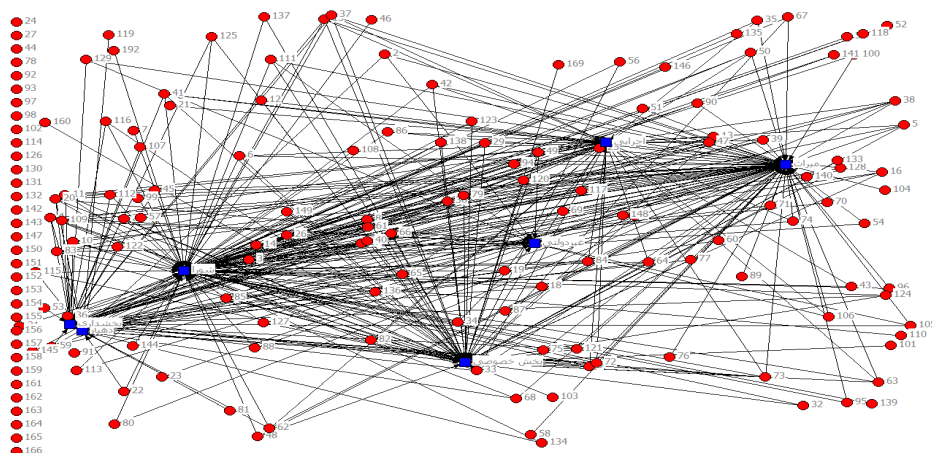
مأخذ: یافته‌های پژوهش

می‌توان بیان نمود که بین میزان اهمیت نهادهای تأثیرگذار بر توسعه گردشگری روستایی از دیدگاه مردم بیشترین میزان به نهادهای محلی مانند شورا و دهیار و سپس بخش خصوصی داده شده است. به علاوه مردم روستایی در مورد اثربخشی نهادها و عاملیت‌های تأثیرگذار بر برنامه توسعه گردشگری نیز بیشترین اثربخشی را به نهاد شورا و سپس بخش خصوص قائل هستند. این اعتماد در حد بالای ۹۰ درصد به صورت نمودار شبکه در شکل زیر قابل ارائه است.



شکل ۲. اهمیت تأثیرگذارترین نهادها و عاملیت‌ها در توسعه گردشگری روستایی

همان‌طور که در شکل نیز مشخص است اهمیت تأثیرگذاری بالا به ترتیب به شورا، سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری و بخش خصوصی با تراکم شبکه ۴۳ درصد مربوط به نهاد شورا، ۲۹ درصد مربوط به سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری و ۲۸ درصد مربوط به بخش خصوصی است.



شکل ۳. اثربخش‌ترین نهادها و عاملیت‌ها در توسعه گردشگری روستایی

همان طور که در شکل نیز مشخص است اثربخش ترین نهاد یا عامل برنامه ریزی به ترتیب به شورا، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و بخش خصوصی با تراکم شبکه ۵۲ درصد مربوط به نهاد شورا، ۳۶ درصد مربوط به سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و ۳۰ درصد مربوط به بخش خصوصی است.

به عبارت ساده تر، روستاییان مؤثرترین نهادها را هم از نظر اهمیت و هم از نظر اثربخشی برنامه های آنان به ترتیب، شورا، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و بخش خصوصی می شناسند. همچنین با توجه به شاخص های اهمیت به نهادهای مختلف می توان گفت که مرکزیت درجه و مرکزیت بینابینی و مرکزیت بردار ویژه برای بخش خصوصی بیشترین مقدار را دارد. با توجه به شاخص مرکزیت نزدیکی نیز می توان نتیجه گیری کرد از دیدگاه روستاییان بخش خصوصی به لحاظ اهمیت ورود به برنامه های توسعه گردشگری روستایی به عنوان بخش پیشتاز شناخته شده است. همچنین در شاخص اثربخشی نهادهای تأثیرگذار در توسعه گردشگری روستایی نیز نتایج نشان داد که در مرکزیت درجه، مرکزیت بینابینی و مرکزیت بردار ویژه، شورا و البته در مرحله بعد بخش خصوصی بیشترین مقدار را به دست آورده اند.

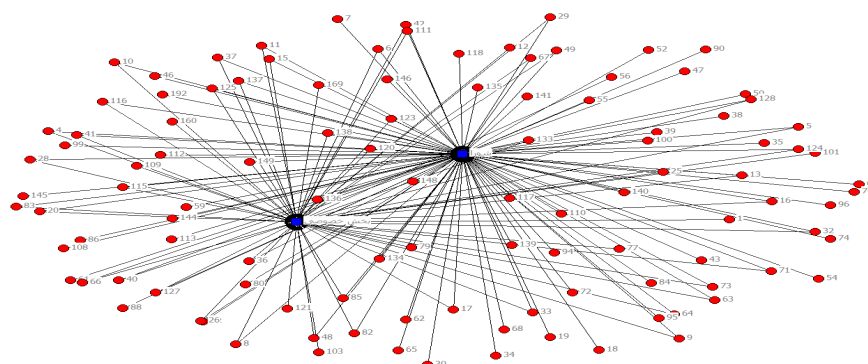
جدول ۵. تحلیل شبکه اهمیت و اثربخشی نهادهای تأثیرگذار در توسعه گردشگری

روستایی

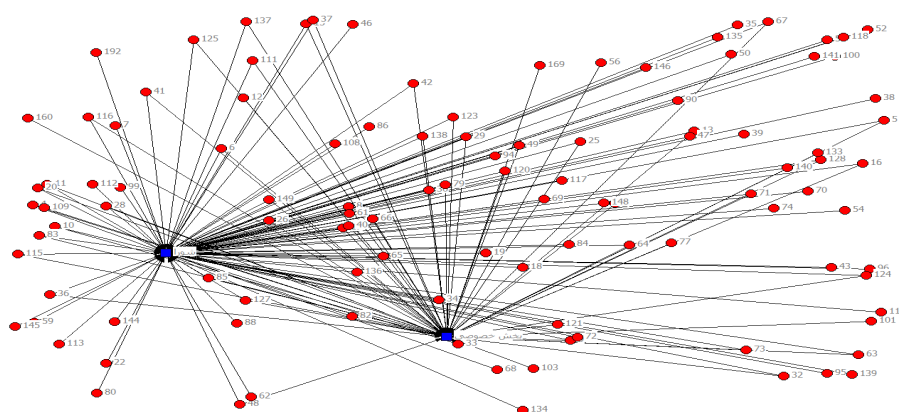
گویه ها	مرکزیت درجه	مرکزیت بینابینی	مرکزیت نزدیکی	مرکزیت بردار ویژه	گویه ها
شورا	۱۷۷	۲۶۴۴/۶۷	۲۵۸	۱۸۷/۶۶	اهمیت نهادهای
دهیار	۱۷۲	۲۲۱۶/۹۴	۲۶۸	۱۸۴/۲۳	
بخشداری	۱۹۱	۲۹۶۷/۷۳	۲۳۰	۱۹۷	
سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری	۱۸۴	۲۷۷۵/۱۵	۲۴۴	۱۹۲/۲۳	
بخش خصوصی	۱۹۶	۳۲۱۶/۹۴	۲۲۰	۲۰۰/۲۳	
غیردولتی	۱۹۰	۲۹۷۲/۳۸	۲۳۲	۱۹۶/۲۳	
بخش دولتی	۱۹۴	۳۰۲۵/۱۷	۲۲۷	۱۹۸	
شورا	۱۰۹	۴۷۴۵/۳۳	۱۰۰۳۲	۱۲۷	اثربخشی نهادهای
دهیار	۸۴	۲۱۲۸/۵۴	۱۰۰۸۲	۱۱۰/۲۳	
بخشداری	۶۳	۱۰۰۶/۴۳	۱۰۱۲۴	۹۶/۲۳	
سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری	۶۲	۱۰۵۵/۵۱	۱۰۱۲۶	۹۵/۶۶	
بخش خصوصی	۸۵	۲۸۵۷/۲۳	۱۰۰۸۰	۱۱۱	
بخش غیردولتی	۴۶	۶۹۶/۹۵	۱۰۱۵۸	۸۵	
بخش دولتی	۸۱	۲۱۲۹/۰۷	۱۰۰۸۸	۱۰۸/۲۳	

مأخذ: یافته های پژوهش

در مرکزیت نزدیکی نیز کمترین مقدار اختصاص یافته مربوط به نهاد شورا و سپس بخش خصوص است؛ لذا می‌توان بیان نمود که از دیدگاه روستاییان برنامه‌هایی در حوزه گردشگری روستایی دارای اثربخشی هستند که با عاملیت بخش خصوصی و هدایت و همگرایی شوراهای محلی انجام شوند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از دیدگاه روستاییان بااهمیت‌ترین نهاد تأثیرگذار بر گردشگری روستایی در منطقه بخش خصوصی و شورا بوده‌اند. این نتایج با یافته‌های تحقیق مارتینو و اسپتو (Martino and Spoto, 2006) و علی‌الحسابی (Alalhesabi, 2011) مطابقت دارد.



شکل ۴. اهمیت شورا و بخش خصوصی از دیدگاه روستایی در برنامه‌ریزی گردشگری روستایی



شکل ۵. اثربخشی شورا و بخش خصوصی از دیدگاه روستاییان در برنامه‌ریزی گردشگری روستایی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به نظر می‌رسد الگوی رفتاری روستاییان که مبتنی بر خرده‌فرهنگ دهقانی است نتایج تحقیق را تأیید می‌نماید؛ به طوری که در روستاهای مورد بررسی همچنان تقسیم‌بندی خودی (محلی) و غیرخودی (بیرونی) در عاملیت فرایندهای برنامه‌ریزی و اجرا در بخش‌های مختلف وجود دارد و بخش گردشگری روستایی می‌تواند ناشی از تعارضات و تنش‌های اجتماعی و تغییرات فرهنگی باشد. این نتیجه هم‌راستا با تحقیق هوانگ و همکاران (Hwang et al., 2016) است. اگرچه اکثر روستاییان معتقد به ایجاد آثار مثبت اقتصادی ناشی از توسعه گردشگری در منطقه بودند اما چالش‌هایی نیز به‌خصوص با آثار اجتماعی گردشگری در حوزه تغییرات فرهنگی و اجتماعی داشتند. این یافته نیز با نتایج تحقیقات زرافشانی و همکاران (Zarafshani et al., 2013) و موراسان و همکاران (Muresan et al., 2016) مطابقت دارد. به نظر می‌رسد همین اثربخشی دوگانه توسعه گردشگری باعث شده است که روستاییان به نقش، اهمیت و ایجاد پیامدهای مناسب گردشگری در منطقه با راهبرد عاملیت نهادهای بیرونی باور نداشته و به اثربخشی نهادهای داخلی همانند شوراها و دهیاری‌ها اعتقاد بیشتری داشته باشند. به‌علاوه آنان همچنین به اثربخشی نهادهای تخصصی همانند بخش خصوص در توسعه گردشگری و انتفاع اقتصادی حاصل از آن اعتقاد داشته و معتقد بودند که می‌توانند با استفاده از ظرفیت نهادهای محلی مانند شورای اسلامی و دهیاری، نظارت و حاکمیت بهتری بر آنان داشته باشند. همچنین به دلیل وجود اختیارات بالاتر و تا حدی مدیریت متمرکزگرا و همراه با اقتدار نهادهای دولتی و وابسته به دولت مانند سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری را چندان مطلوب و اثربخش ارزیابی ننموده‌اند. لذا با توجه به نتایج تحقیق می‌توان بیان نمود که استفاده از ظرفیت‌های مدیریت محلی مانند شوراهای روستایی و تلاش برای هماهنگی بخش‌های اقتصادی جامعه مانند بخش خصوصی و حاکمیتی مانند سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری با این نهادهای محلی که از مقبولیت بیشتری در سطح روستا برخوردار بوده و اعتماد روستاییان و افراد محلی به آن‌ها نیز بهتر است می‌توان زمینه‌های موفقیت در برنامه‌ریزی‌های گردشگری روستایی در سطح محلی را پی‌ریزی نمود. این نتایج هم‌راستا با نتایج تحقیقات نجفی کانی و میرزاعلی (Najaf Kani and Mirzaali, 2012) و هوانگ و استوارت (Hwang and Stewart, 2017) است. همچنین دیدگاه روستاییان نسبت به اهمیت نهادهای محلی مانند شوراهای روستایی و نهادهای تخصصی و اقتصادی درگیر در فعالیت مانند بخش خصوصی از یک‌سو و اعتقاد به اثربخشی برنامه‌های محلی و تخصصی نهادهای ذکرشده می‌تواند نقطه شروع مطلوب و مناسبی برای

برنامه‌ریزی‌های محلی و تمرکززدا در بخش گردشگری روستایی البته با هدایت و حمایت نهادهای حاکمیتی مرتبط به‌خصوص سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری باشد. این نتایج با یافته‌های تحقیقات کلایره و همکاران (Kellihera et al., 2018) و لوپاکیو (Łopaciuk, 2019) مطابقت می‌کند. لذا با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود که توسعه گردشگری روستایی و کشاورزی می‌تواند یک راهبرد مؤثر برای توسعه پایدار روستایی به‌خصوص تنوع‌سازی اقتصاد روستایی و کاهش بیکاری در مناطق روستایی باشد اما در این راستا برنامه‌ریزی بالا به پایین نمی‌تواند مؤثر باشد و دلیل این امر، تقسیم‌بندی اجتماعی روستاییان به خودی و غیرخودی بودن افراد و نیز بی‌اعتمادی و در نتیجه عدم مشارکت آنان با نهادهای بیرونی و غیرخودی است. لذا در گام اول می‌بایست از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های نهادهای محلی به‌خصوص شوراهای اسلامی استفاده شود تا زمینه‌های حضور سایر نهادهای تأثیرگذار (در گام دوم استفاده از بخش خصوصی به‌عنوان دومین نهاد تأثیرگذار) در توسعه گردشگری روستایی فراهم شود.

منابع

1. Alalhesabi, M. (2011). Participatory rural planning empirical study on the role of vilaagers in planning rural development. *Housing and Rural Environment*, 30(134): 35-48. (Persian)
2. Alavizadeh, A. and Mirlotfi, M.R. (2013). The role of non-farm economy on rural immobility in rural settlments Semirom county. *Regional Planning Quarterly*, 3(10): 71-82. (Persian)
3. Barghi, H. Ghanbari, Y. and Saeedi, M. (2013). A study of the performance of rural Islamic councils and the level of people's participation in rural development (Case study: Hosseinabad rural district of Najafabad city). *Quarterly Journal of Space Economics and Rural Development*, 2(2): 119-138. (Persian)
4. Basiri Parsa, N. (2010). Survey of effective institutions in rural development management (Case study: Hamadan province). National Conference on Human, Environment and Sustainable Development. Hamadan. (Persian)
5. Bastani, S. and Reisi, M. (2011). Network analysis method: Using the whole network approach in the study of open source communities. *Iranian Journal of Social Studies*, 5(2): 31-57. (Persian)
6. Bhagavatula, S., Elfring, T., Tilburg, A. and Gerhard, G. (2010). How social and humanCapital influence opportunity recognition and resource

- mobilization in India's Handloom Industry. *Journal of Business Venturing*, 25(1): 245-260.
7. Bodin, Ö., Crona, B. and Ernstson, H. (2006). Social networks in natural resource management – What's there to learn from a structural perspective? *Journal of Ecology and Society*, 11(2): 2-10.
 8. Brown, M. (2003). *Rural Tourism An Annotated Bibliography*. London.
 9. Byrd, E., Bosley, H. and Dronberger, M. (2009). Comparisons of stakeholder perceptions of tourism impacts in rural eastern North Carolina. *Tourism Management*, 30(1): 693-703.
 10. Carlsson, L. and Sandström, A. (2008). Network governance of the commons. *International Journal of the Commons*, 2(1): 33-54.
 11. Copeland, B. (2012). Tourism and Welfare-Enhancing Export Subsidies. *Jpn Economic Review*, 63(1): 232-243.
 12. Cultural Heritage and Tourism Organization of Khorasan Razavi Province. (2019). Report on tourist areas of Binalood city. Tehran: Internal publication. (Persian)
 13. De Stefano, D., Fuccella, V., Vitale, M.P. and Zaccarin, S. (2013). The use of different data sources in the analysis of co-authorship networks and scientific performance. *Social Networks*, 35(3): 370-381.
 14. Fallahtabar, N. (2017). Challenges of rural development initiatives from sustainable development perspective using the swot method. *Geography Quarterly (Regional Planning)*, 7(4): 187-202. (Persian)
 15. Firoozrooz, M., Erfanzadeh, R., Ghorbani, M. and Rasekhi, S. (2015). Analysis of social network and structural model of social relations of rangeland users (Case study: Takor village - Noor city). *Rangeland Scientific-Research Journal*, 9(3): 244-254.
 16. Ghorbani, M., Salimi, J., Ebrahimi, P. and Rasekhi, S. (2019). Application of network analysis in identifying key actors of local stakeholder network in order to establish participatory management of natural resources (Study area: Sarayan watershed, South Khorasan province). *Quarterly Journal of Rangeland and Watershed Management*, 72(1): 213-226. (Persian)
 17. Helms, R., Ignacio, R., Brinkkemper, S. and Zonneveld, A. (2010). Limitations of network analysis for studying efficiency and effectiveness of knowledge sharing. *Electronic Journal of Knowledge Management*, 8(1): 53-68.
 18. Hwang, D. and Stewart, W. (2017). Social capital and collective action in rural tourism. *Journal of Travel Research*, 56(1): 81-93.

19. Hwang, D., Chi, S.H. and Lee, B. (2016). Collective action that influences tourism: Social structural approach to community involvement. *Journal of Hospitality and Tourism Research*, 40(4): 497-515.
20. Kapucu, N., Yuldashev, F., Demiroz, F. and Arslan, T. (2011). Social network analysis application in evaluating MPA classes. *Journal of Public Affairs Education*, 11(1): 541-563.
21. Kellihera, F., Reinla, L., Johnson, T. and Joppec, M. (2018). The role of trust in building rural tourism micro firm network engagement: A multi-case study. *Tourism Management*, 68(1): 1-12.
22. Łopaciuk, B. (2019). Does participation in social networks foster trust and respect for other people—evidence from Poland. *Sustainability*, 11(1733): 2-25.
23. Magnar, F., Markus, S. and Karin, G. (2012). Stability and variety – Products, organization and institutionalization in farm tourism. *Tourism Management*, 33(4): 895-909.
24. Martino, F. and Spoto, A. (2006). Social network analysis: A brief theoretical review and further perspectives in the study of Information Technology. *PsychNology Journal*, 4(1): 53-86.
25. Muresan, I., Oroian, C., Harun, R., Arion, F., Porutiu, A., Chiciudean, G. and Lile, R. (2016). Local residents' attitude toward sustainable rural tourism development. *Sustainability*, 8(100): 1-12.
26. Najaf Kani, A. and Mirzaali, M. (2012). Survey and assessment of people's participation and its role in rural development (Case study: Sultan Ali village of Gonbad Kavous city). *Geographical Perspective (Human Studies)*, 7(20): 1-15. (Persian)
27. Nasiri Moghadam, M. and Khoshsima, P. (2014). Strategic urban tourism for developing permanent rural development in Khogam in Rudbar. *Geographical Journal of Tourism Space*, 4(14): 1-11. (Persian)
28. Nocheh Nasar, H., Shams, G. and Ghani Rad, M. (2018). Social network analysis Co-authorship of foreign articles by faculty members in the field of educational sciences. *Journal of Scientometrics*, 4(8): 33-56. (Persian)
29. Otwori, J.L. and Khademi Vidra, A. (2019). Community-based tourism and sustainable development of rural regions in Kenya; Perceptions of the citizenry. *Sustainability*, 11(4733): 2-23.
30. Pourtaheri, M. and Naghavi, M. (2012). Physical development of rural settlements with sustainable development approach (Concepts, theories, strategies). *Housing and Rural Environment*, 31(137): 53-70. (Persian)
31. Ramezani, A. and Mirza Mohammadi, A. (2013). Social network analysis with UCINET software training. Tehran: Sociologists Publishing. (Persian)

32. Rezvani, M.R., Motiei Langroudi, H. and Mohammadzadeh Larijani, F. (2012). Explaining the functional developments of villages and the transition from agricultural economy to tourism with emphasis on life cycle theory: A case study of FiroozJah village. *Journal of New Attitudes in Human Geography*, 4(3): 107-122. (Persian)
33. Roknaddin Eftekhari, A., and Mahdavi, D. (2006). The solutions of the rural tourism development with SWOT Methods (Case study: Lavasan-E-Koochak. *The Journal of Spatial Planning*, 10(2): 133-162. (Persian)
34. Roknaddin Eftekhari, A., Sojasi Ghidari, H. and Einali, J. (2007). New attitude towards rural management with an emphasis on effective institutions. *Journal of Village and Development*, 10(2): 1-30. (Persian)
35. Roknaddin Eftekhari, A., Mahmoodi, S., Ghaffari, G. and Pourtaheri, M. (2015). The explanation of spatial pattern of social capital with respect to sustainable rural development - Case: Villages of Razavi Khorasan, *Quarterly Journal of Space Economics and Rural Development*, 4(11): 87-108. (Persian)
36. Sadeghi, H. and Seidaie, E.G. (2016). Evaluating the performance of institutions and their structures related to rural sustainability Case: Dehdez ward in Izeh city. *Quarterly Journal of Space Economics and Rural Development*, 5(2): 199-140. (Persian)
37. Sattarzadeh, A., Glini Moghadam, G. and Momeni, A. (2016). Analysis of the structure of the network of scientific collaborations of researchers in the field of basic medical sciences in Iran in the science citation index in the period 1996 to 2013. *Quarterly Journal of Scientific Studies*, 2(6), 1-20. (Persian)
38. Shamsoldini, A. (2011). Rural tourism constructive solution for rural development, case study: Fahlian village. *Quarterly Journal of Housing and Rural Environment*, 131(29): 95-107. (Persian)
39. Sharifzadeh, A. and Moradinejad, H. (2003). Sustainable development and rural tourism. *Jihad Economic Monthly*, 250(251): 63-52. (Persian)
40. Srivastava, A., Anuradha, D. and Gupta, J. (2014). Social network analysis: Hardly easy. International Conference on Reliability, Optimization and Information Technology. Dehli: India.
41. Stenberg, J. (2001). Bridging gaps: Sustainable development and local democracy processes.
42. Sutawa, GK. (2012). Issues on bali tourism development and community empowerment to support sustainable tourism development. *Procedia Economic and Financial*, 4(1): 413-422.

43. Telfer, D. (2009). *Tourism and development in the developing world*. New York: Routledge.
44. Viry, G. (2017). *Social network analysis: Mapping and exploring the network society*. Edinburgh: University of Edinburgh.
45. Zahedi, S. and Najafi, G. (2006). Conceptual development of sustainable development. *Quarterly Journal of Teacher of Humanities*, 10(4): 76-43. (Persian)
46. Zarafshani, K., Sharifi, L., Garavandi, S. and Ghobadi, P. (2013). The investigation of tourism development impact upon promotion of social – economic indices in rural areas (Case: Rijab resort in Kermanshah province). *Journal Space Economy and Rural Development*, 2(5): 119-134. (Persian)